

پژوهشهای جغرافیائی - شماره ۴۳، زمستان ۱۳۸۱
صص ۴۳-۵۶

نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی

(مطالعه موردی: ناحیه صنعتی لاسجرد)

دکتر احمد پورا احمد - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران*

دکتر مهدی طاهرخانی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

رحمان باباخانی - دانشجوی سابق کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

پذیرش مقاله: ۸۱/۶/۲۳

چکیده

با گذشت بیش از نیم قرن و تجربه انبوهی از الگوهای نظری و تجربی در کشورهای در حال توسعه، بی‌تردید صنعتی شدن به عنوان رویکرد غالب دهه‌های اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در این راستا ارتباط بین صنعتی شدن و توسعه روستایی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدی تصریح شده است. صنعتی شدن روستاها در قالب ایجاد نواحی صنعتی به هدف دستیابی به توسعه پایدار روستایی در دهه اخیر مورد توجه برنامه ریزان توسعه روستایی کشور بوده است. به منظور ارزیابی اثرات و پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی، با مطالعه موردی ناحیه صنعتی لاسجرد در استان سمنان، شاغلین این ناحیه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستائیان موفقیت آمیز نبوده، چرا که ۶۶/۷ درصد شاغلین را ساکنین شهرها به خود اختصاص داده‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که انگیزه مهاجرت در شاغلین کاهشی در بر نداشته است.

واژگان کلیدی: اشتغال، استان سمنان، مهاجرت‌های روستایی، نواحی صنعتی

مقدمه

محدودیت امکانات اشتغال در روستاها از یک سو و توسعه خدمات و امکانات در نواحی شهری از سوی دیگر، سبب افزایش مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ می‌گردد. با توجه به اینکه بخش کشاورزی از نظر ایجاد اشتغال جدید، قادر به پاسخگویی نیازهای روستائیان نیست و خود این بخش با اشباع و فزونی نیروی انسانی مواجه است، ضرورت صنعتی شدن روستاها به عنوان یکی از راه‌حل‌های مناسب برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستائیان، جلوگیری از مهاجرت به شهرها و بالاخره توسعه صنعتی کشور بیشتر احساس می‌شود (مردوخی، ۱۳۷۳، ص ۳۷).

صنعتی شدن عبارت از بازدهی مستمر و فزاینده نیروی کار با استفاده از ابداعات فنی و سازمان منظم کار است که به عنوان بُعدی از توسعه اقتصادی موجب افزایش در آمد ملی، ارتقاء سطح زندگی و رفاه عمومی مردم می‌گردد (ازکیا، مصطفی، ۱۳۶۵، ص ۶).

با ایجاد و تکمیل نواحی صنعتی روستایی می‌توان به مهمترین موانع موجود در راه ایجاد صنعت در روستاها یعنی تهیه زمین مناسب و بلامعارض و تهیه امکانات زیربنایی (آب، برق، جاده دسترسی و ...)، غلبه نموده و بدینوسیله، مشوق‌های لازم جهت سرمایه‌گذاران و کارآفرینان فراهم خواهد شد (معاونت عمران و صنایع روستایی، ۱۳۷۸، صص ۲ و ۳). توسعه صنایع روستایی در دو محور صنایع کوچک و صنایع دستی انجام می‌گیرد. کشورهای در حال توسعه از لحاظ صنایع روستایی با یکدیگر تفاوت‌های آشکاری دارند، بطوری که علاوه بر تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی، از نظر سطح فن‌آوری، اندازه صنایع، پیوند با بازار و نیروی کار نیز از تفاوت‌های عمده‌ای برخوردارند. بنابراین تعریف، صنایع روستایی نیز براساس شرایط مذکور متفاوت است. طبق تعریف سازمان جهانی کار، صنایع روستایی به صناعی گفته می‌شود که در نواحی روستایی یا مراکز روستایی مستقر هستند و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می‌کنند. بطور کلی این صنایع بیشتر مواد خام یا تولیدات محلی را به مصرف می‌رسانند و تولیدات آنها به بازارهای محلی عرضه می‌شود؛ اما گاه ممکن است این صنایع تولیدات خود را به بازارهای ملی و بین‌المللی نیز عرضه کنند (خزاعی، ۱۳۷۹، صص ۱۴۳-۱۴۱).

براساس این تعریف و به منظور توسعه نواحی روستایی کشور، ایجاد واحدهای صنعتی اعم از متمرکز در قالب نواحی صنعتی و نیز غیر متمرکز به شکل کارگاههای مستقل تولیدی، مطمح نظر برنامه ریزان و متولیان توسعه روستایی کشور قرار گرفت. بدین منظور از سال ۱۳۶۶ اقدام به بررسی و احداث ۱۷۰ ناحیه صنعتی روستایی در سطح کشور گردید که از این تعداد ۹۰ ناحیه به بهره برداری رسیده است (۸۰ ناحیه دیگر نیز در مراحل مختلف پیشرفت فیزیکی می‌باشد). در این نواحی ۳۴۹۰ واحد تولیدی قابل استقرار بوده که پیش‌بینی می‌شود زمینه اشتغال ۵۰۱۲۰ نفر را فراهم سازد (معاونت عمران و صنایع روستایی، ۱۳۷۹، ص ۱).

به منظور بررسی و تحلیل نقش نواحی صنعتی روستایی در ایجاد فرصتهای شغلی و کاهش مهاجرت‌های روستایی، ارزیابی میزان تحقق اشتغال پیش‌بینی شده در نواحی صنعتی و اثر آن در جلوگیری از مهاجرت روستائیان به مراکز شهری، ناحیه صنعتی لاسجرد در مجاورت روستای لاسجرد با مساحتی بالغ بر ده هکتار واقع در استان سمنان انتخاب گردید. از دلایل انتخاب این ناحیه صنعتی از میان پنج ناحیه فعال استان، قدمت آن نسبت به سایر نواحی صنعتی (جدول شماره ۱)، تعداد واحدهای فعال و شاغلین بیشتر آن در مقایسه با سایر نواحی استان بوده است.

مبانی نظری تحقیق

تحقیقاتی که فعالیت‌های صنعتی را مطابق با اصول جغرافیایی مدرن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند، عمدتاً بعد از سال ۱۹۶۲ منتشر شده‌اند (قره‌نژاد، حسن، ۱۳۷۱، صص ۱۳-۱۱). در این خصوص بیشتر صاحب‌نظران به اهمیت پیامدها و عوامل مؤثر در موفقیت صنایع در مناطق روستایی پرداخته‌اند، بطوریکه اولاف فاس^(۱) با تأکید بر اهمیت

صنایع کوچک مقیاس در مناطق روستایی، معتقد است که نقش سرمایه گذاری‌های کوچک در مناطق مختلف به اثبات
جدول ۱- اطلاعات نواحی صنعتی به بهره‌برداری رسیده استان سمنان تا پایان سال ۷۹

ردیف	نام ناحیه صنعتی	نام شهرستان	میزان پیشرفت فیزیکی (درصد)	مساحت (هکتار)	سال شروع	سال بهره‌برداری
۱	لاسجرد	سمنان	۹۵	۱۰	۶۶	۷۳
۲	فولادمحل	سمنان	۸۳	۱۰	۷۲	۷۵
۳	بیارجمند	شاهرود	۷۴	۲۰	۷۱	۷۵
۴	باتری	گرمسار	۵۷	۲۸	۷۲	۷۸
۵	صیدآباد	دامغان	۶۵	۲۰	۶۹	۷۶

مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت عمران و صنایع روستایی، اداره نواحی صنعتی

رسیده، اما سهم این صنایع در اشتغال‌زایی مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری بیشتر مورد تأکید است (فاس، ۱۹۹۷، ص ۲۵۴).

اچ. آنتولف^(۱) و همکاران در تحقیقی جامع و در راستای ارزیابی پیامدهای صنعتی شدن روستا در کشور اندونزی معتقدند که با استقرار واحدهای نساجی در طول ۶۰ سال، تغییرات وسیعی در این کشور بوجود آمده، بطوری که در طی این مدت، ناحیه مورد مطالعه به عنوان قطب نساجی کشور معرفی شده است (آنتولف، ۱۹۷۹، ص ۱۵).

در این خصوص، ارتباط صنعت نساجی و کشاورزی کاملاً ملموس است. جذب نیروی مازاد در بخش کشاورزی بسوی فعالیت‌های صنعتی، منجر به کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی و افزایش تولید صنایع نساجی گردیده است. بنابراین صنایع نساجی در این ناحیه نه تنها منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی شده، بلکه در کاهش اختلاف درآمد میان گروه‌های کم درآمد و پر درآمد نیز مؤثر بوده شده است.

وُلدسمه^(۲) طی تحقیقات خود در کشور اتیوپی (۱۹۷۹) معتقد است، صنایع مناسبی که در مناطق روستایی این کشور توانسته‌اند اثرات مطلوبی بر جای گذارند صنایع غذایی، نساجی و سلولزی هستند. این صنایع به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، توسعه مهارت‌های جدید و اجتماعی شدن فعالیت‌های تولیدی در مناطق روستایی منجر شده‌اند (ولدسمه، ۱۹۷۹، ص ۳۱).

سیلوین کلوئیر^(۳) با مقایسه تطبیقی انواع فعالیت‌های صنعتی میان مناطق شهری و روستایی معتقد است که صنایع غذایی و نساجی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری از آثار و پیامدهای مطلوب‌تری برخوردار بوده‌اند (کلوئیر، ۱۹۸۱، ص ۳۳۷).

میسرا نیز معتقد است که دو نوع فعالیت صنعتی در مراکز روستایی مناسب هستند:

الف) صنایعی که با فرایند محصولات کشاورزی همگام می‌شوند. برای مثال تولید کنسرو، میوه، سبزیجات، لبنیات، تولید محصولات چوبی، تولید انواع روغن‌های گیاهی و ...

ب) صناعی که در پیوند با فعالیت‌های کشاورزی، نیازمندی‌های بخش کشاورزی را تأمین می‌نمایند مانند کارخانجات تولیدکننده کودهای شیمیایی، ساخت ابزارآلات زراعی و ... (میسرا، ۱۹۹۱، ص ۲۵).

جیمز کوران و دیوید استوری^(۱) ضمن تبیین تفاوت مشاغل شهری با مناطق روستایی معتقدند:

مشاغل صنعتی کوچک مقیاس در سال‌های اخیر در مناطق روستایی از رشد سریعتری برخوردار شده‌اند. این مشاغل در مناطق روستایی بهتر و موفق‌تر از مشاغل کوچک مقیاس شهری عمل نموده‌اند (کوران و استوری، ۱۹۹۳، ص ۱۶).

اسلام ریزوانول^(۲) در تحقیقی جامع (در سال ۱۹۹۴) اثرات صنعتی شدن مناطق روستایی چین در دوره بعد از اصلاحات را مورد بررسی قرار داده و صنعتی شدن را به عنوان موتور محرک توسعه روستایی در چین معرفی و تصریح می‌دارد:

با استقرار صنعت در مناطق روستایی، ضمن افزایش درآمد خانوارها، الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی با دوام به میزان قابل توجهی دچار تغییرات اساسی شده‌است (ریزوانول، ۱۹۹۴ و ۱۹۴۶).

جی. تی. شی^(۳) با بررسی سیاست‌های توسعه روستایی در کشور تایوان در سال ۱۹۸۵، ظهور تخصص‌گرایی، توازن شهری-روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیرکشاورزی را از اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌داند (شی، ۱۹۸۵، ص ۲۲۲).

ال. وای گودرای^(۴) با بررسی اثرات استقرار صنعت در پاریس لوئیز یانا در سال ۱۹۷۷ و بیان اثرات اشتغال‌زایی طرح‌های صنعتی در مناطق روستایی، بر کاهش روند مهاجرت‌های روستایی تأکید نموده و معتقد است: از آغاز مرحله استقرار صنعت در این مناطق، مهاجرت به داخل بیشتر از مهاجرت به خارج به نسبت دیگر مناطق روستایی تجربه شده‌است (گودرای، ۱۹۷۷، صص ۱۵-۳).

کارل لیدهولم^(۵) در سال ۱۹۹۴ با بررسی فعالیت‌های صنعتی مستقر در مناطق روستایی تایلند، معتقد است که فعالیت‌های غیرکشاورزی سهم قابل توجهی در همگن نمودن و ثبات درآمد روستائیان در سرتاسر سال داشته است. تجزیه و تحلیل لیدهولم نشان می‌دهد که نوسان ماهیانه درآمد خانوارهای روستایی در تایلند با فعالیت‌های صنعتی، بسیار کمتر از تغییرپذیری کل درآمد خانوارهای روستایی با فعالیت‌های کشاورزی بوده است (لیدهولم، ۱۹۷۴، ص ۴۸).

در اعلامیه «لیما» صنعتی شدن به عنوان ابزار رشد سریع اقتصادی و توسعه اجتماعی کشورهای در حال توسعه معرفی شده و صنعتی شدن روستاها به عنوان قسمتی از سیاست توسعه همه جانبه روستایی که قادر است هم با ایجاد فرصت‌های شغلی و هم با تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی، گامی در جهت توسعه روستایی بردارد، معرفی شده‌است (یونیدو، ۱۹۷۹، صص ۷-۱)^(۶).

ام. تی هاگ^(۷) ضمن تحلیل فرایند توسعه روستایی بر این باور است که به موازات دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، صنعت باید به عنوان مهمترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفته شود. ماهیت و الگوی صنعتی

1- Curran.Jamaes & Story David

2- Rizwanul. Islam

3- Shih.JT

4- Guedry.LY

5- Liedholm.Carl

6- UNIDO

7- Hag.M.T

شدن، خواه کوچک مقیاس و یا صنایع دستی، تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه‌ای است (هاگک، ۱۹۷۹، صص ۶۷-۵۱).

پی. کک. داس^(۱) با تکیه بر فرایند صنعتی شدن روستاها در فرایند توسعه معتقد است: صنعتی شدن در مراحل مقدماتی باید به عنوان ابزاری برای اصلاح شرایط کار و استانداردهای زندگی در جهت مقابله با فقر در ابعاد جهانی و نه فقط به عنوان ابزاری برای تولید بیشتر با استفاده از فن آوری جدید، مورد توجه قرار گیرد. اگر این تفکر در ذهن به خوبی پرورش نیابد، هرگونه کوشش برای صنعتی کردن روستاها ممکن است منجر به مهاجرت اکثریت مردمی شود که اثرات صنعتی شدن را تجربه ننموده‌اند (داس، ۱۹۷۹، ص ۸).

اس. کک راتو^(۲) با تحلیل روند صنعتی شدن روستاها در چهار کشور هند، فیلیپین، کره جنوبی و ژاپن در سال ۱۹۸۵ بر نقش استقرار صنعت در روند گسترش صادرات اشاره داشته و معتقد است: هر یک از این کشورها با انتخاب الگوی مناسب صنعتی، گامی اساسی در جهت ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و در نهایت گسترش صادرات داشته‌اند. این اثرات در فرایند صنعتی شدن فیلیپین و کره جنوبی ملموس تر است (راتو، ۱۹۸۵، ص ۱۳۵).

گروهی نیز بر این باورند که صنایع روستایی مناسب‌ترین بخش اشتغال‌زایی غیر زراعی است که قابلیت گسترش فراوانی داشته و می‌تواند از مهاجرت روستائیان بکاهد. این صنایع به دلیل نیاز اندک به سرمایه، سطح فن آوری پایین و نیروی کار غیرماهر، از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند (مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

«کلانتری» ضمن تحلیل صنایع کوچک در کشورهای در حال توسعه معتقد است: صنایع کوچک نقش مهمی در تطبیق فن آوری بانایزها، امکانات و پتانسیل‌های مادی و انسانی مناطق روستایی داشته و به درونزاکردن آن کمک می‌کنند. همچنین این صنایع از طریق تمرکز زدایی و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، موجب توزیع بهینه درآمد می‌شوند و نیز با ایجاد فرصت‌های شغلی فصلی و دائمی، نرخ بیکاری را در مناطق روستایی کاهش می‌دهند (کلانتری، ۱۳۷۵، ص ۶۲).

«مجدی» در ضرورت تقویت صنایع روستایی با هدف اشتغال‌زایی می‌گوید: با تقویت صنایع روستایی می‌توان از مهاجرت روستائیان جلوگیری نمود. ایجاد اشتغال موجب بهبود وضع زندگی روستائیان شده و در پی آن مشارکت مردم در پروژه‌های روستایی افزایش یافته و در نهایت منجر به توسعه روستایی خواهد شد (مجدی، ۱۳۷۳، ص ۲۲).

مروری بر دیدگاهها و نقطه نظرات ارائه شده در باب آثار و پیامدهای استقرار صنعت در نواحی روستایی نشان می‌دهد که صنعتی شدن منتج به پنج اثر عمده در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه شده است. این آثار که در جدول شماره (۲) مورد تبیین قرار گرفته، شامل افزایش درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش مهاجرت‌های روستایی، بهره‌برداری از منابع محلی و گسترش صادرات است.

فرضیات و روش تحقیق

فرضیاتی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از:

الف) ایجاد ناحیه صنعتی روستایی لاسجرد از طریق اشتغال‌زایی موجب کاهش مهاجرت روستائیان به شهر شده است.

جدول ۲- پیامدها و آثار استقرار صنعت در نواحی روستایی

محققان	واژه های مورد تأکید	آثار و پیامدهای استقرار صنعت در روستاها
فاوس، ریزوانول، لیدهولم	ثبات درآمدی، کاهش اختلاف درآمد شهر و روستا، تغییر الگوی مصرف	۱ افزایش درآمد
استواری، جی‌تی‌شی	افزایش ضریب اشتغال، اصلاح شرایط کار، کاهش نرخ بیکاری	۲ ایجاد فرصت‌های شغلی
گودرای	کاهش نسبت مهاجرت از روستا به شهر در مقایسه با نواحی روستایی فاقد صنایع روستایی روستا، تغییر الگوی مصرف	۳ کاهش مهاجرت‌های روستایی
ولدسمه	بهره برداری از منابع انسانی (مشارکتهای مردمی) بهره برداری از منابع طبیعی روستا، تغییر الگوی مصرف	۴ بهره برداری از منابع محلی
راثو	انعطاف پذیری تولید، رسوخ به بازارهای جهانی روستا، تغییر الگوی مصرف	۵ گسترش صادرات

ب) گسترش کارگاهی از طریق مشارکت روستائیان توأم با ارائه اعتبارات بانکی منجر به توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای واقع در ناحیه صنعتی لاسجرد شده است.

از بین نواحی صنعتی استان سمنان، ناحیه صنعتی لاسجرد به عنوان جامعه آماری، جهت آزمون فرضیات انتخاب گردید. در این بین از میان ۱۴۲ نفر کل شاغل ناحیه صنعتی، ۳۵٪ یعنی ۵۴ نفر بطور تصادفی انتخاب و از طریق تکمیل پرسشنامه، اطلاعات مورد نظر جمع آوری گردیده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات که عمدتاً به صورت کیفی جمع آوری شده‌اند، از نرم افزار SPSS استفاده و فرضیات مورد نظر آزمون شده‌اند. بدین منظور جهت آزمون فرض اول از روش فراوانی (Fi) و برای فرض دوم از آزمون ویلکاکسون در دو دوره قبل و بعد از اشتغال استفاده شده است.

موقعیت جغرافیایی ناحیه لاسجرد

ناحیه صنعتی لاسجرد در شهرستان سمنان، بخش سرخه و در دهستان لاسگرد واقع شده است. مساحت این ناحیه صنعتی ۱۰ هکتار و از نظر مکان استقرار در بین چهار روستای امامزاده عبدالله، جرین، ایج و لاسجرد واقع شده است. نامگذاری این ناحیه به دلیل نزدیکی به روستای لاسجرد است که در فاصله ۶ کیلومتری آن واقع شده است. جدول شماره (۳) موقعیت و ویژگیهای ناحیه صنعتی لاسجرد در مقایسه با سایر نواحی صنعتی مستقر در استان سمنان را نشان می‌دهد.

جدول ۳ - وضعیت نواحی صنعتی استان سمنان در پایان سال ۱۳۷۹

درصد کل پیشرفت	هزینه تا به حال (هزارریال)	بهره برداری شده			واگذار شده			پیش بینی شده		وسعت هکتار	سال شروع	فاصله تا شهرستان	محل اجرا		نام ناحیه	ردیف
		اشغال نفر	قطعه	واحد	اشغال نفر	قطعه	واحد	اشغال نفر	تعداد قطعه				روستا	شهرستان		
۹۰/۲۲	۲۰۰۳۰۵	۱۴۰	۱۴	۱۳	۳۰۲	۳۳	۲۴	۳۸۵	۴۴	۱۰	۱۳۶۷	۳۵	لاسجرد	سمنان	لاسجرد	۱
۵۹/۶۴	۱۹۰۰۰۰	۱۰۵	۱۱	۱	۱۵۰	۲۰	۵	۷۲۰	۶۴	۲۰	۱۳۷۱	۱۲۰	بیارجمند	شاهرود	بیارجمند	۲
۶۳/۸۲	۲۲۰۰۰۰	۸	۲	۱	۱۵۹	۲۴	۱۱	۲۵۰	۴۲	۱۰	۱۳۷۱	۲۵	فولادمحل	گرمسار	فولادمحل	۳
۵۷/۲۴	۸۱۹۱۰۰	۱۵	۳	۱	۶۴۷	۷۲	۳۷	۷۲۰	۱۰۹	۲۹	۱۳۷۱	۱۲	باتری	گرمسار	باتری	۴
۳۵/۱۶	۲۴۶۹۶۱	۳۷	۲	۲	۶۵	۴	۴	۷۲۰	۷۵	۲۰	۱۳۶۹	۲۰	سیدآباد	دامغان	سیدآباد	۵
۳۶/۶۰	۷۱۰۰۰				۴۰	۴	۲	۳۵۰	۳۵	۱۰	۱۳۷۲	۱۵	ایرسج	شاهرود	ایرسج	۶
	۱۷۴۷۳۶۶	۳۰۵	۳۲	۱۸	۱۳۶۳	۱۵۷	۸۳	۳۲۴۵	۳۶۹	۹۹						

یافته‌های تحقیق

- ساختار سنی

از تعداد ۵۴ نفر شاغل در ناحیه صنعتی لاسجرده که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، حداقل سن ۱۵ سال و حداکثر ۶۵ سال با میانگین سنی ۲۶ سال بوده که در چهار گروه به شرح جدول شماره (۴) تقسیم شده‌اند. بالاترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال با ۳۸ نفر و کمترین آن به گروه بالای ۶۰ سال با یک نفر تعلق داشته است. همانطور که جدول نشان می‌دهد، جامعه نمونه از ساختار سنی جوانی برخوردار است.

جدول ۴ - ساختار سنی شاغلین ناحیه صنعتی

گروه‌های سنی	فراوانی بدست آمده (نفر)	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
-۲۰	۹	۱۶/۷	۱۶/۷
۲۱-۴۰	۳۸	۷۰/۴	۸۷/۰۷
۴۱-۶۰	۶	۱۱/۱	۹۸/۱
+۶۱	۱	۱/۹	۱۰۰

- ساختار دانائی

در بررسی ساختار دانائی جامعه نمونه که در شش گزینه فاقد سواد، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه تا دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر مورد بررسی قرار گرفته، بیش از ۵۷ درصد شاغلین دارای مدرک تحصیلی ابتدایی و راهنمایی، ۵/۶ درصد فاقد سواد، ۲۵/۹ درصد متوسطه و دیپلم، ۱۱/۹ درصد فوق دیپلم و تنها ۹/۳ درصد لیسانس بوده‌اند. جدول شماره (۵) این ویژگی را نشان می‌دهد.

جدول ۵ - ساختار تحصیلاتی شاغلین ناحیه صنعتی

کد	مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۰	فاقد سواد	۳	۵/۶	۵/۶
۱	ابتدایی	۱۲	۲۲/۲	۲۷/۸
۲	راهنمایی	۱۹	۳۵/۲	۶۳/۰
۳	متوسطه و دیپلم	۱۴	۲۵/۹	۸۸/۹
۴	فوق دیپلم	۱	۱/۹	۹۰/۷
۵	لیسانس و بالاتر	۵	۹/۳	۱۰۰
	جمع	۵۴	۱۰۰	—

وضعیت سکونتی شاغلین

از کل جامعه نمونه، ۳۶ نفر معادل ۶۶/۷ درصد در شهر و ۱۸ نفر معادل ۳۳/۳ درصد ساکن مناطق روستایی هستند.

افراد تحت تکفل

بررسی ساختار تکفلی جامعه مطابق با جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که بیشترین تعداد افراد تحت تکفل، یک، دو و سه نفره بوده که بیش از ۵۷ درصد شاغلین را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۶ - ساختار تکفلی جامعه نمونه

تعداد افراد تحت تکفل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۰	۱۱	۲۰/۴	۲۰/۴
۱	۱۳	۲۴/۱	۴۴/۴
۲	۱۱	۲۰/۴	۶۴/۸
۳	۷	۱۳/۰	۷۷/۸
۴	۴	۷/۴	۸۵/۲
۵	۵	۹/۳	۹۴/۴
۶	۲	۳/۷	۹۸/۱
۷	۱	۱/۹	۱۰۰
جمع	۵۴	۱۰۰	—

مهارت فنی و حرفه‌ای

طبقه بندی ساخت شغلی و حرفه‌ای جامعه در سه رده کارگران ساده، نیمه ماهر و استادکار حاکی از وجود ۷۸ درصد افراد در رده کارگران ساده تا نیمه ماهر و ۲۲ درصد در طبقه استادکاران است. بنابراین جامعه آماری به سمت یک ساخت شغلی - حرفه‌ای ساده تا نیمه ماهر گرایش دارد. جدول شماره (۷) این تقسیم بندی را نشان می‌دهد.

جدول ۷ - ساختار فنی و حرفه‌ای

کد	رده شغلی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱	ساده	۳۲	۵۹/۳	۵۹/۳
۲	نیمه ماهر	۱۰	۱۸/۵	۷۷/۸
۳	استادکار	۱۲	۲۲/۲	۱۰۰
	جمع	۵۴	۱۰۰	—

نوع استخدام

ارزیابی شاغلین، متناسب با نوع استخدام در هر یک از واحدهای تولیدی در سه رده شاغلین رسمی، قراردادی و روزمزد صورت گرفته است. آمار بدست آمده نشان می‌دهد که ۱۹ نفر معادل ۳۵/۲ درصد شاغلین به صورت روزمزد، ۲۳ نفر برابر ۴۲/۶ درصد به شکل قراردادی و ۱۲ نفر معادل ۲۲/۲ درصد به طور رسمی در هر یک از واحدهای تولیدی به فعالیت مشغول هستند. توزیع فراوانی نوع استخدام شاغلین در جدول شماره (۸) نشان داده شده است.

جدول ۸- نوع استخدام شاغلین ناحیه صنعتی

کد	نوع استخدام	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱	روزمزد	۱۹	۳۵/۲	۳۵/۲
۲	قراردادی	۲۳	۴۶/۲	۷۷/۸
۳	رسمی	۱۲	۲۲/۲	۱۰۰
	جمع	۵۴	۱۰۰	—

مأخذ: مطالعات میدانی

سابقه استخدام و فعالیت

همانطور که جدول ۹ نشان می‌دهد، ۶۶/۷ درصد از سابقه فعالیت شاغلین در افق زمانی یک سال و ۳۳/۳ درصد در مقطع بیش از یک سال قرار دارد.

جدول ۹ - میزان سابقه اشتغال در ناحیه صنعتی

سابقه کار (به سال)	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱	۳۶	۶۶/۷	۶۶/۷
۲	۶	۱۱/۱	۷۷/۸
۳	۳	۵/۵	۸۳/۳
۴	۱	۱/۸	۸۵/۱
۵	۵	۹/۳	۹۴/۴
۶	۳	۵/۶	۱۰۰
جمع	۵۴	۱۰۰	—

سایر فعالیت های اقتصادی

از کل جامعه نمونه، ۴۷ نفر معادل ۷۸ درصد فاقد سایر فعالیت های اقتصادی و ۷ نفر برابر ۱۳ درصد دارای فعالیت

کشاورزی نیز بوده‌اند. جدول (۱۰) نشان دهنده میزان درآمد حاصل از سایر فعالیت‌های اقتصادی است.

جدول ۱۰ - درآمد جامعه از سایر فعالیتهای اقتصادی

طبقه درآمدی (ریال)	فراوانی	درصد
فاقد درآمد	۴۷	۸۷
۲۰۰۰۰۰۰ - ۵۰۰۰۰۰۰	۳	۵/۴
۵۰۰۰۰۰۰ - ۷۰۰۰۰۰۰	۲	۳/۷
+۷۰۰۰۰۰۰	۲	۳/۷
جمع	۵۴	۱۰۰

وضعیت مشارکت روستائیان در امور روستا

نتایج حاصل از سنجش میزان مشارکت روستائیان در امور روستا، در چهار نوع مشارکت مالی، مشارکت نیروی کار، مشارکت سیاسی - اجتماعی و مشارکت مشاوره‌ای با شوراهای اسلامی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال نشان می‌دهد که:

۱) در زمینه مشارکت مالی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال، تفاوت معناداری وجود ندارد و به عبارتی: $P = ۰/۳۱ > ۰/۰۵$ شده بزرگتر از آلفا ۰/۰۵ است.

۲) در زمینه مشارکت باعرضه نیروی کار نیز در دو دوره قبل و بعد از اشتغال تفاوت معناداری وجود ندارد $P = ۰/۳۱ > ۰/۰۵$

۳) در زمینه مشاوره‌ای مشورتی با شوراهای اسلامی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال نیز تفاوت معناداری وجود ندارد $P = ۰/۳۷ > ۰/۰۵$

با توجه به آزمون ویلکاکسون، باید اذعان نمود که چنانچه روحیه مشارکت پذیری مالی در بین روستائیان جهت احداث کارگاههای کوچک چند نفره بیشتر ترویج گردد، می‌توان در آینده به احداث و گسترش این کارگاهها با کمکی که سیستم بانکی خواهد نمود و بالطبع توسعه اشتغال روستایی و پیشگیری از مهاجرت به شهرها امیدوار بود.

بحث و جمع‌بندی

نتایج حاصل از داده‌های مربوط به فرضیه اول در ناحیه صنعتی لاسجرد استان سمنان نشان می‌دهد که مهمترین هدف نواحی صنعتی روستایی، کاهش مهاجرت روستائیان به شهرها از طریق ایجاد فرصتهای شغلی به دلایل مختلف به طور کامل تحقق نیافته است. از مجموع واحدهای تولیدی ناحیه صنعتی لاسجرد با اشتغال مطالعه شده به عنوان حجم جامعه آماری، تنها ۳۳/۳ درصد شاغلین ساکن مناطق روستایی و مابقی یعنی ۶۶/۷ درصد عمدتاً شهری و یا ساکن مناطق شهری بوده‌اند. همچنین عده کثیری از مجموع شاغلین ناحیه صنعتی را تبعه افغانه تشکیل می‌دهند؛ لذا فرض مذکور مبنی بر ایجاد نواحی صنعتی از طریق اشتغال‌زایی موجب کاهش مهاجرت روستائیان به شهر است که در ناحیه صنعتی لاسجرد تأیید نمی‌گردد.

همچنین در بررسی نتایج حاصل از داده‌های فرضیه دوم در مورد توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاها از طریق مشارکت روستائیان در گسترش کارگاهها، چنانچه روحیه مشارکت خصوصاً مشارکت مالی و در قالب سهم آورده متقاضی برای سرمایه‌گذاری، در بین روستائیان وجود داشته باشد و همچنین سیستم بانکی کشور نیز با مشارکت در قالب ارائه وام (اعتبارات خرد) به متقاضیان سرمایه‌گذاری مزبور، مساعدت نماید؛ توسعه صنایع روستایی از طریق اشتغال‌زایی به کاهش مهاجرت روستائیان منجر خواهد شد. مع الوصف نتایج تحقیق به عدم مشارکت فعال جامعه نمونه دلالت دارد. لذا لازم است موارد ذیل در توسعه صنایع روستایی مورد توجه قرار گیرند.

۱- اشتغال روستائیان باید با توسعه فرصت‌های شغلی از طریق صنایع کوچک در روستاها توأم و همگام گردد.

۲- گسترش صنایع کوچک کارگاهی نیازمند مشارکت روستائیان در امور مالی روستاهای محل سکونت است.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از معاونت پژوهشی دانشگاه تهران که با مساعدت خود امکان مطالعه و تحقیق را فراهم نموده‌اند، تشکر

و قدردانی بعمل می‌آید.

منابع و مأخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران
- ۲- باباخانی، رحمان (۱۳۸۰)، پژوهش نقش نواحی صنعتی ایجاد شده در اشتغالزایی و کاهش مهاجرت به شهرها، مطالعه موردی شهرستان سمنان - رساله کارشناس ارشد رشته جغرافیا - دانشگاه تهران - تهران
- ۳- خزاعی قوژدی، علی (۱۳۷۶)، صنایع روستایی، تحولات و توسعه - فصلنامه روستا و توسعه سال اول شماره ۲ و ۳
- ۴- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی مطالعه موردی: استان مرکزی، رساله دکتری جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس. تهران
- ۵- قره نژاد، حسن (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر جغرافیای صنعتی - نشر جهاددانشگاهی دانشگاه اصفهان - اصفهان
- ۶- کلاتری، خلیل (۱۳۷۵)، صنایع کوچک، نابرابری‌های منطقه‌ای و تجربه کشورهای در حال توسعه، ماهنامه جهاد، سال شانزدهم - شماره ۱۸۹-۱۸۸
- ۷- معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۷)، مکانیابی، طراحی و اجرای نواحی صنعتی، انتشارات اداره کل طرح‌های صنعتی بهره‌برداری
- ۸- مجدی، علی اکبر (۱۳۷۳)، میزان بهره‌وری نیروی کار در صنایع روستایی استان خراسان و بررسی عوامل مؤثر آن، انتشارات مدیریت ترویج و مشارکت مردمی سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان
- ۹- میسرآ، آرپی (۱۳۶۶)، صنعتی کردن روستایی در کشورهای جهان سوم - ماهنامه روستا و توسعه، گزیده مقالات شماره اول
- ۱۰- مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی (۱۳۷۹)، نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی انتشارات وزارت جهاد کشاورزی
- 11- Abraham. J (1994) , " Rural industry and rural industrialization in developing countries"
- 12- Bhalla , As (1982), "Rural industrialization and new economic policies" , World employment programme research, NO.3, PP.2-37
- 13- Curran. James (1993), "The Location of small and medium enterprises: Are there urban- rural differences? Routledge, PP.1-16
- 14- Foss. Olaf (1997), " Establishment structure, job flows and rural employment" , Rural employment in OECD countries, chapter. 16, PP. 239-254
- 15- Guedry. Ly(1977),"Employment impacts of rural industrialization Lasalle parish Louisiana", Louisiana rural economist, Vol. 39, No. 3, PP.3-15
- 16- Liedholm carl (1989), "The role of non-farm activities in the rural economy", Macmillian press in association with the IEA.P.uo
- 17- Misra. R.P. (1985)," Rural industrialization in third world countries," Sterting publishers, New delhi, P. 330
- 18- Rau.S.K (1985)," Rural industrialization: Policy and programme in four asian countries", asian

productivity organization, Tokyo.

- 19- Rizwanul. Islam (1994), "Rural industrialization: An engine of prosperity in postreform rural china," world development, vol. 22, No. 11, P. 1643
- 20- Shih.J.T (1985)," Decentralized industrialization and rural non-farm employment in taiwan", Association of development research and training institutes of asian and the pasific.
- 21- UNIDO (1984)," The role of small and Medium scale industries in OIC member states," unido, No-9, P. 487.
- 22- Woldsemai B(1979)," Prospects for rural industrialization in Ethiopia", Ethiopia journal of developmeut research, Vol.3, No. 2, P.15.